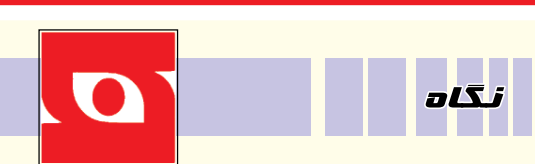


انفجارهای پی‌درپی در سوریه حمص لزید

نزدیک دو سال از رفتن بشار اسد گذشت و سوریه، هنوز درگیر آزارآمی،هرج‌ومرج،جنگ، انفجار و انفالگری است. تحولات پس از سقوط دمشق در سوریه، همراه با به قدرت رساندن نیروهای تروریستی تحت رهبری لومدم جولانی، مرحله‌ای تازه از ایام و پی‌بایی جنگ را در این کشور رقم زده است. به گزارش مهر به نقل از روسیه‌الیوم، منابع محلی در استان حمص سوریه دروِز نیز از شنیدندگن صدای انفجارهای شدید در اطراف شهر «السنخه» همزمان با پُرِوار جنگنده‌ها و هواپیماهای شناسایی

دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵
۲۸ محرم ۱۴۸۸

۱۳ جولای ۲۰۲۶
شماره ۲۸۱۸۴



وقتی قدرت‌های غربی برای ملتها تصمیم می‌گیرند

کنگره برلین که در تابستان سال ۱۸۷۸ میلادی (تیر ۱۲۵۷) برگزار شد، تنها یک نشست دیپلماتیک برای پایان دادن به اختلافات ناشی از جنگ روسیه و عثمانی نبود، بلکه نقطه عطفی در تثبیت الگویی از سیاست بین‌الملل به شمار می‌رفت که در آن سرشونت ملتها به بر اساس اراده مردم، بلکه مطابق موازنه قدرت میان دولت‌های بزرگ تعیین می‌شد. در این اجلاس، رهبران و دیپلمات‌های آلمان، «بریتانیا»، روسیه، فرانسه، اتریش -مجارستان، ایتالیا و امپراتوری عثمانی گرد هم آمدند تا درباره آینده منطقه بالکان تصمیم بگیرند. منطقه‌ای که میلیون‌ها انسان در آن زندگی می‌کردند اما صدای آنان در پشت درهای پست این نشست جای نداشت. آن‌چه در برلین رخ داد، نمونه‌ای آشکار از این واقعیت بود که در سیاست قدرت، مفاهیمی چون حق تعیین سرنوشت، استقلال،ملتها و خواست عمومی تا زمانی ارزش دارند که با منافع قدرت‌های بزرگ تعارض پیدا نکنند. این منافع به خطر بیفتند، همان قدرت‌هایی که از آزادی و عدالت سخن می‌گویند، بدون تردید مرزها را جابه‌جا می‌کنند، دولت‌ها را تغییر می‌دهند و سرنوشت ملتها را بر اساس محاسبات ژئوپلیتیکی خود بازپرسی می‌کنند. ریشه‌های برگزاری کنگره برلین به جنگ روسیه و عثمانی در سال‌های ۱۸۷۷ و ۱۸۷۸ میلادی (۱۲۵۶ و ۱۲۵۷) بازمی‌گردد. روسیه پس از پیروزی نظامی، پیمان سن‌استفانو (به عثمانی تحمیل کرد، پیمانی که بر اساس آن بلغارستان بزرگ و نزدیک به روسیه شکل می‌گرفت و نفوذ مسکود در بالکان به شکل قابل توجهی افزایش می‌یافت. اما همین دستوراد، رنگ خطر را برای لندن و وین به صدا درآورد. بریتانیا بیم داشت که روسیه به ابعای گرم و مسیرهای استراتژیک نزدیک شود و اتریش -مجارستان قدرت گرفت. در جریان بحران‌های اسلوا و تهدیدی برای موجودیت خود می‌دید. نتیجه آن شد که قدرت‌های اروپایی نه برای دفاع از حقوق ملت‌های منطقه، بلکه برای حفظ توازن قدرت میان خود، خواستار برگزاری کنفرانسی جدید شدند. به بیان دیگر، حتی پیروزی یک کشور نیز تا جایی پذیرفته نمی‌شد که نظم منطقه سایر قدرت‌ها را بر هم نزند. این منطق نشان می‌دهد که در نظام بین‌الملل آن دوران و همچنین الان(۱)، معیار اصلی نه عدالت، بلکه موازنه قدرت بوده است. در کنگره برلین، بسیاری از مفاد پیمان سن‌استفانو تغییر یافت. بلغارستان که قرار بود تقریباً نیمی از سرسایر مناطق شمالی باشد، تجزیه و کوچک شد. روسیه نتواند از طریق بزرگ و راه‌آهن بالکان اثرگذاری داشته باشد. اداره بوسنی و هرزگوین به اتریش-مجارستان واگذار شد، هرچند از نظر حقوقی همچنان بخشی از امپراتوری عثمانی باقی ماند. استقلال قبرستان، رومانی و مونته‌نگرو نیز به رسمیت شناخته شد، اما این استقلال نیز در چارچوب مصالحات قدرت‌های بزرگ تعریف شد، نه بر اساس یک روند طبیعی و مبتنی بر اراده ملتها. همزمان بریتانیا کنترل جزیره قبرس را در اختیار گرفت و موقعیت استراتژیک خود را در شرق مدیترانه تقویت کرد. اگر این تحولات را یک پدیده قرار گیریم، به‌خوبی آشکار می‌شود که کنگره برلین بیش از آن که مجمعی برای برقراری صلح باشد، بازاری برای تقسیم نفوذ و بازطراحی نقش سیاسی منطقه بود.

یکه می‌پرهیزیم ویژگی‌های کنگره برلین، غیبت واقعی ملت‌هایی بود که قرار بود درباره آینده آنان تصمیم‌گیری شود. اگرچه نمایندگانی از برخی دولت‌های منطقه حضور داشتند، اما نقش اصلی در دست قدرت‌های بزرگ بود و تصمیم نهایی را آنان اتخاذ کردند. این همان الگویی است که بعدها در بسیاری از توافق‌ات استعماری مشاهده شد، قدرت‌هایی که هزاران کیلومتر دورتر از یک سرزمین می‌نشینند و بدون شناخت عمیق از رفتار تاریخی، قومی و فرهنگی آن، درباره مرزها، دولت‌ها یا ساختار سیاسی آن تصمیم می‌گیرند. پدین چنین رویکردی نیز معمولاً بی‌تابی‌های طولانی‌مدت بود، زیرا مرزهایی که بر اساس مصالح ژئوپلیتیکی ترسیم شوند، الزاماً با واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی منطق بستنند. به همین دلیل بسیاری از پژوهشگران معتقدند بخشی از بحران‌های بعدی بالکان، از جنگ‌های قومی گرفته تا رقابت‌های ناسیونالیستی، ریشه در همان تصمیم‌هایی داشت که در تابستان ۱۸۷۸ میلادی (۱۲۵۷) در برلین اتخاذ شد.

آن‌چه کنگره برلین را به یک رویداد صرفاً تاریخی محدود نمی‌کند، بلکه آن را به موضوعی قابل تامل برای امروز نیز تبدیل می‌سازد: نوع نگاه قدرت‌های بزرگ به مفهوم نظم بین‌المللی است. در این نگاه، ثبات زمانی مطلوب تلقی می‌شود که منافع قدرت‌های مسلط را تأمین کند و هرآنجا این منافع در معرض تهدید قرار گیرد، قواعد نیز قابلیت تغییر پیدا می‌کنند. در ظاهر، برلین با هدف جلوگیری از جنگی فراگیر برگزار شد، اما در عمل، رقابت میان امپراتوری‌ها تنها شکل تازه‌ای به خود گرفت و زمینه بسیاری از تنش‌های آینده را فراهم کرد. این تجربه تاریخی نشان می‌دهد که گاه قدرت‌های بزرگ به جای حل یکدیگر قرار می‌گیرند، به‌خوبی آشکار می‌شود که کنگره برلین مطلوب خود را حفظ نکردند، تعادلی که ممکن است برای ملتها درگیر، به معنای ده‌ها بی‌تابی، رقابت قومی و درگیری سیاسی باشد. از همین منظر، کنگره برلین را می‌توان یکی از نخستین نمونه‌های آشکار ژئوپلیتیکی در عصر جدید دانست.

اگر کنگره برلین را از منظر تاریخ اندیشه‌سیاسی بررسی کنیم، درمی‌یابیم که این رویداد تنها محصول رقابت میان چند دولت اروپایی نبود، بلکه ازات نامی نوعی نگرش بود که اروپا در قرن نوزدهم نسبت به جهان پیرامون خود داشت. در آن دوران، قدرت‌های استعماری خود را نه تنها برتر از دیگر ملتها، بلکه محق در تعیین سرنوشت آنان نیز می‌دانستند. این نگاه، با مفاهیمی همچون «رسالت تمدن‌ساز» و «ماموریت تمدنی» توجیه می‌شد، مفاهیمی که در ظاهر از توسعه و پیشرفت سخن می‌گفتند، اما در عمل به ابزاری برای تقویت مشروعیت بخشی به تصمیم‌گیری‌های نظامی تبدیل شدند. کنگره برلین نیز در همین چارچوب قابل فهم است. قدرت‌های حاضر در آن نشست، نه از ملتها، بلکه درباره آیندهشان نظر خواستند و نه سواکاری برای حل مشا‌رتک یافته‌ای که در تصمیم‌گیری ایجاد کردند. آنان خود را صاحبان اختیاری می‌دانستند و بر این باور بودند که امنیت اروپا تنها زمانی تضمین می‌شود که نقشه مناطق بیرومنی مطابق خواست آنان ترسیم شود. چنین منطقی بعدها در آفریقا، غرب آسیا و بخش‌هایی دیگر از جهان نیز به شکل مختلف تکرار شد.

شاید مهم‌ترین درس کنگره برلین این باشد که تصمیم‌هایی که بر پایه موازنه قدرت و نه عدالت اتخاذ می‌شوند، اگر چه ممکن است در کوتاه‌مدت بحران‌ها را مهار کنند، اما در بلندمدت خود به منشأ بحران‌های تازه تبدیل خواهند شد. تنها چند دهه پس از آن نشست، بالکان بار دیگر به یکی از پر تنش‌ترین مناطق اروپا بدل شد. رقابت‌های قومی، اختلافات مرزی و منازعات سیاسی که بخشی از آنها ریشه در تصمیمات سال ۱۸۷۸ میلادی (۱۲۵۷) داشت، زمینه‌ساز جنگ‌های بالکان و در نهایت تروآر آشوبیو فرانس فریداند در سارایوو در سال ۱۹۱۴ میلادی (۱۲۹۳) شد، خدایکی که جرقه آغاز جنگ جهانی اول را زد. البته نسبت دادن همه این تحولات به کنگره برلین از نظر تاریخی دقیق نیست، زیرا عوامل متعدد دیگری نیز در شکل‌گیری آن بحران‌ها نقش داشتند، اما نمی‌توان انکار کرد که این کنفرانس بسیاری از مسائل را به جای حل کردن، به تعویق انداخت و با ترسیم مرزها و ترتیبات سیاسی بر اساس مصالحات ژئوپلیتیکی، زمینه‌ایشت تنش‌های بعدی را فراهم کرد.

پایان کنگره نزدیک به یک قرن و نیم از کنگره برلین، جهان از نظر ساختار حقوق بین‌الملل، شکل دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی دگرگون شده است، اما این پرسش همچنان باقی‌ماند که آیا منطق حاکم بر رفتار قدرت‌های بزرگ نیز به همان اندازه تغییر کرده است؟ بسیاری از تحلیلگران معتقدند اگرچه زبان سیاست خارجی امروز بر مفاهیمی مانند حقوق بشر، دموکراسی، نظم مبتنی بر قواعد و حق تعیین سرنوشت استوار است، اما در عمل، این اصول به‌هه صورت گریختنی اجرا می‌شوند.

و منافع ژئوپلیتیکی همچنان نقش تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری‌ها دارند. جزئیات مداخلات خارجی در مناطق مختلف، اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی، حمایت از برخی دولت‌ها یا گروه‌ها و مخالفت با برخی دیگر، این تصور را در میان بخشی از افکار عمومی تقویت کرده است که هنوز هم به بسیاری از موارد، معیار اصلی نه اصول اعلام‌شده، بلکه مصالحات قدرت‌های بزرگ است. از این منظر، کنگره برلین صرفاً یک رویداد تاریخی نیست، بلکه نمادی از الگویی است که همچنان در روابط بین‌الملل قابل مشاهده است (که هیچ‌گاه نباید اساس آن را تشکیل می‌دهد).

پایان دیگر اروپا، همان قدرت بازمنازع قرن نوزدهم نیست و جنگ جهانی، آغاز استعمار کلاسیک، ظهور قدرت‌های نوپا و تغییر موازنه‌های جهانی، توان و نفوذ مستقل بسیاری از دولت‌های اروپایی را کاهش داد. این با حال، از نگاه منتقدان سیاست‌های غرب، منطق رقابت بر سر نفوذ و تلاش برای شکل دادن به محیط امنیتی و سیاسی دیگر کشورها همچنان ادامه دارد، هرچند بازگرای اصلی به نظامی از گذشته آمریکاست. در این چارچوب و واشنگتن، با اتکا به ظرفیت‌های گسترده نظامی و اقتصادی و سیاسی خود، در سراسر از پیروندهای بین‌المللی نقش را ایفا می‌کند که در قرن نوزدهم میان چند امپراتوری اروپایی تقسیم شده بود و کشورهایی اروپایی نیز غالب در قالب اتحاد‌های سیاسی و امنیتی از آن حمایت با یا آن همراهی می‌کنند. میر این نکته یادآور این حقیقت هم هست که هرگاه قدرت‌های بزرگ، منافع خود را به خواست ملتها مقدم بدارند، خطر تکرار چرخه بی‌تابی، رقابت و بحران همچنان وجود خواهد داشت. چرخه‌ای که تاریخ بارها هزینه‌های سنگین آن را به جیبان یادآوری کرده است.

کمیسیون گراهام، سناتور ضد ایرانی

در آسمان منطقه خبر دادند. منابع محلی در استان حمص سوریه نیز اعلام کردند: همزمان با پُرِوار جنگنده‌ها و هواپیماهای شناسایی رژیم صهیونیستی در آسمان این استان، صدای انفجارهای شناسایی در اطراف شهر السنخه در شرق استان حمص شنیده شد. به گفته این منابع، پس از این انفجارها، ستون‌هایی از دود از منطقه کوه الحاحاک نزدیک شهر حمص در دمشق و دیگر شهرهای سوریه برخ رانده است که انفجارهای مهیبی در دمشق و در برقراری امنیت را به‌خوبی هویدای می‌کند. بی‌کفایتی رژیم جولانی در برقراری امنیت را به‌خوبی هویدای می‌کند.

سرویس خارجی- «لیندسی گراهام» سناتور ضد ایرانی، حامی سرخست رژیم صهیونیستی، مدافع نسل‌کشی مردم غزه و بمباران ایران، دوست نزدیک نتانیاهو و ترامپ به صورت ناگهانی و در سن ۷۱ سالگی مُرد و مستقیم راهی جهنم شد. «لیندسی گراهام» دی‌ماه سال گذشته بود که گفته بود: «میدانم و خوش‌بین هستم که حکومت ایران در روزهای پایانی عمر خود قرار دارد». اما حالا مثل خیلی از مقامات آمریکایی و صهیونیستی این آرزوی خود را به کور برد. شبیه آن بی‌سی‌بیز دیروز با انتشار جزئیاتی از مرگ ناگهانی لیندسی گراهام گزارش داد، نیروهای امدادی شامگاه شب پس از دریافت گزارشی مبنی بر «بست قلبی» به منزل وی در منطقه «کاپیتول‌هیل» واشنگتن اعزام شدند. تصاویر منتشرشده نیز انتقال او با پارکتر در آمبولاس در حال رحلی نشان می‌دهد که خودروهای پلیس و آتش‌نشانی در محل حضور داشتند. این سناتور وکیل تنها یک روز پیش از مرگ، در سفر به کی‌ف با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، دیدار کرده و قرار بود روز یکشنبه نیز در برنامه خبری شبکه «ای‌بی‌سی‌نیوز» حضور پیدا به همین حال، این خبر در شرایطی منتشر می‌شود که «هیچ مک‌کال» دیگر سناتور تندرو و جمهوری‌خواه و رهبر پیشین اکثریت سنا نیز مدتی است سکنه قلبی کرده و در بیمارستان سترتی اسکنگری کمک‌مکال می‌میرد. کرده روند بهبودی وی ادامه دارد، اما جزئیات بیشتری از وضعیت جسمانی او ارائه نشده است.

علی‌رغم محدودیت‌های شدید آل‌خلیفه

بناپه دفتر لیندسی گراهام نیز حاکی است این سناتور جمهوری‌خواه بر اثر یک بیماری ناگهانی! مرده است. در بناپه دفتر گراهام می‌خوانیم: «در شامگاه شنبه، ۱۱ ژوئیه(۲۰ تیر)، سناتور لیندسی گراهام بر اثر یک بیماری ناگهانی و ناگهانی در گذشت. خانواده سناتور گراهام در این زمان قریان ده‌ها هستند و خواستار حفظ حریم خصوصی در این دوران فوق‌العاده دشواری هستند».

با انتشار خبر مرگ ناگهانی این سناتور ضد ایرانی و دوست نزدیک ترامپ و نتانیاهو، بازار گفتمانی‌های نیز داغ شده است. افورا «لومر» خبرنگار نزدیک به ترامپ با بازنشر تصویر توییت سناتور گراهام که اشاره به حذف فیزیکی وی توسط سیه پاسداران داشت، نوشت: «تفاوت‌های عمده در مورد مرگ ناگهانی این سناتور جمهوری‌خواه شد. لومر استدلال می‌کند: «سناتور گراهام چند روز در منطقه جنگی روسیه و اوکراین حضور داشته و کمتر از یک روز پس از بازگشت از سفر به آمریکا خبر مرگ وی اعلام شده و احتمال مسویمیت (تور باولوتزکی) باید بررسی شود.» رسانه‌های صهیونیست هم احتمال روزی توسط ایران را روسیه را برحسبه کرده‌اند. رس‌های غربی انتشار تصاویر لیندسی گراهام در دستان مردم ایران نوشته‌اند پس از اعلام خبر مرگ او، تصاویر در میان حامیان حکومت در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. وی در یک سخنرانی گاهام علامت ضرر فزینر کم‌نشدیده شده بود.ز این نوشته شده بود:

سرویس خارجی- علیرغم محدودیت‌های شدید آل‌خلیفه

سرویس خارجی- «لیری تمام محدودیت‌های رژیم آل‌خلیفه و جو امنیتی حاکم بر بحرین، منابع خبری گزارش دادند که هموطنان بحرینی بار دیگر با زور با گذاشتن ممنوعیت‌های اعلام‌شده از سسوری رژیم اشغالگر آل‌خلیفه، در خیابان‌ها عزاداری کرده‌اند: آنها برای دومین شب متوالی در خیابان‌ها برای حضرت امام سجاد(ع) و همچنین رهبر شهید انقلاب اقامه عزرا کردند.

رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی مذهبی نمی‌دانستند، بلکه آن را نماد تاریخی ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌تری برای حفظ هویت دینی و اجتماعی خود می‌شمارند. از میانه قرن گذشته نیز این مناسبت در مواردی که رژیم آل‌خلیفه، اقلیتی سنی و تحمیلی که از قرن هجدهم و پس از تصرف بحرین بر جامعه‌ای با اکثریت شیعه حاکم شده است، همواره آیین‌های عزاداری محرم را تهدیدی برای تداوم سلطه خود تلقی کرده است. شیعیان بحرین که بنابر گزارش‌های معتبر بین‌المللی و برآوردهای مستقل، اکثریت جمعیت پومی این کشور را تشکیل می‌دهند، مراسم عاشورا را صرفاً مناسکی